

محمد فتوحی
کارشناس مسائل بین الملل

سید علی
عبدالمجید

انتخاب نهم

آغاز فصل جدید در ایران

رسانه ملی می‌نماید در پیش گرفته بود و جوسازی‌ها و اقداماتی که علیه تعدادی از کاندیدها صورت می‌گرفت، اعتراضاتی شد که متأسفانه بدون پاسخ ماند.

البته در دوره‌های قبل نیز برخی روش‌های تخریبی علیه کاندیداهای خاص به کار گرفته شد که همواره مسوولین انتظامی، اطلاعاتی و قضایی از آنها چشم‌پوشی کرده و در قبال حادثه‌آفرینان که چهره‌های شناخته شده‌ای هستند سکوت اختیار کردند. این بار نیز همان روش‌ها با شدت و قدرت بیشتری به کار گرفته شدند که نتیجه همان چیزی بود که از قبل قابل پیش‌بینی بود. اما آنچه جالب توجه بود و نشان از اراده‌ای

رییس قوه مجریه می‌تواند از او چهره‌ای توانمند و کارآمد بسازد و در غیر این صورت نیز او اهمیت خود را از دست خواهد داد که در این ارتباط می‌توان

تبلیغات گسترده و میلیاردهای شاخصه‌های انتخاب نهم بود



نهمین انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی به پایان رسید که از ۱۰۱۴ نفری که قدم به صحنه گذارده و ۸ نفری که از کنکور شورای نگهبان عبور کرده بودند و در نهایت ۲ نفری که وارد مرحله دوم شدند احمدی‌نژاد توانست با کسب اکثریت آرا به ریاست جمهوری برگزیده شده و برای ۴ سال آینده نبض قوه مجریه و دولت را در دست بگیرد.

رییس جمهوری قبل از ترمیم و اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف پست نخست‌وزیری در حقیقت مقامی فرمایشی بود ولی پس از آن از اهمیت برخوردار شد. اما تمامی این مسایل بستگی به نظر کانون‌های قدرت از جمله شورای نگهبان دارد زیرا همراهی و همکاری مجلس و نهادها و ارگان‌های انتصابی با رییس جمهوری و

به ۸ سال ریاست جمهوری خاتمی اشاره کرد. او که حمایت و پشتیبانی مجلس ششم را که به مجلس اصلاحات معروف شد را پشت سر خود داشت از آن جا که راهی به شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نداشت عملاً خلع سلاح شده و قادر به تحقق اهداف و برنامه‌هایش نگردید.

انتخابات نهم دارای تفاوت‌های اساسی با ۸ دوره قبل بود که این تفاوت‌ها را در شیوه‌های تبلیغات، وضعیت کاندیدها، دخالت کانون‌های قدرت، فعال شدن گروه‌های فشار و تخریب چهره‌های شاخص مشاهده کردیم به طوری که بارها نسبت به روشی که صدا و سیما که خود را





شکاف و اختلافات میان افراد این جناح را شدیدتر و عمیق‌تر کرد. برای پی بردن به عصبانیت و ناراحتی آنها می‌توان به نطق نادران در مجلس و مقالات هشدارگونه‌ای که در روزنامه‌های این جناح درج شد اشاره کرد.

هاشمی رفسنجانی که با شعارهایی جدید و چهره‌ای نو قدم به میدان گذارد از همان ابتدا مشخص بود که وزنه‌اش از تمامی کاندیداها سنگین‌تر است.

در کنار این دو مساله باید به حضور نظامیان در انتخابات و فعال شدن ارگان‌های نظامی و انتظامی در پشتیبانی از برخی چهره‌ها اشاره کرد که این فعال شدن گاهی اوقات با ضرب و شتم طرفداران دیگر گروه‌ها همراه بود که در این ارتباط می‌توان به مساله‌ای که برای فاطمه هاشمی دختر هاشمی رفسنجانی و خبرنگار همراهش در قزوین اتفاق افتاد و یا آنچه بر سر ابراهیم یزدی و بهزاد نبوی آمد اشاره کرد.

اگر چه حضور نظامیان در صحنه انتخابات ریاست جمهوری به دوره قبل باز می‌گردد که شمشخانی به عنوان رقیبی نه چندان جدی و مطرح برای خاتمی به صحنه آمد اما این بار محسن رضایی و قالیباف نشان دادند که می‌خواهند به صورت جدی شانس خود را بیازمایند. ولی مساله این نیست که چرا نظامیان در انتخابات فعال بوده و با کدام مجوز قدم به صحنه گذاردند و با این که هزینه‌های سر به فلک کشیده این همه تبلیغات گوناگون از کجا تامین شد به گونه‌ای که پورنجانی نماینده مجلس ششم در انتقاد از آن اعلام کرد که تبلیغات میلیاردی با "تصدقیرت" نیست بلکه سوال اصلی این است که چرا کاندیدها برای موجه جلوه دادن خود به تخریب تمامی آن چیزی

به نفع خود تغییر دهند. این مسایل و موانع به این شرح بودند.

۱- عدم اجماع جناح راست بر سر یک کاندیدا که با وجود تلاش‌هایی که در تهران و قم صورت گرفت و فعالیت‌های مجلس و شورای هماهنگی، نشان داد که این گروه از آن چنان انسجام و یکپارچگی برخوردار نیست که بتواند برای حفظ منافع خود بر خودمحموری‌ها و منیت‌ها خط بطلانی کشیده و همه را زیر یک سقف جمع آورد. اختلافات به قدری شدت گرفت که علاوه بر خروج آبادگران از شورای هماهنگی، احمدی‌نژاد، محسن رضایی و دکترولایتی نیز از این شورا تبری جسته و راه مستقلی پیش گرفتند. در نهایت نیز باهنر از این که نتوانسته این گروه را به اجماع برساند از طرفداران عذرخواهی کرد.

۲- مساله دوم که به مراتب از اولی مهم‌تر و حساس‌تر بود به میدان آمدن هاشمی رفسنجانی بود.



شورای هماهنگی بارها حمایت خود را از لاریجانی اعلام کرده بود

از ابتدا مشخص بود که جناح اصلاح طلب و جبهه مشارکت قادر نخواهد بود چهره‌های قدرتمند که بتواند کاندیدای تمامی احزاب و گروه‌های این جناح باشد به میدان بیاورند خصوصا پس از این که تلاش‌ها برای فعال کردن مهندس میرحسین موسوی ناکام ماند، این جناح نیز انسجام خود را از دست داد به طوری که مشارکتی‌ها به مصطفی معین رضایت داده و مجمع روحانیون به کروی گرایش یافته و مهرعلیزاده نیز حمایت گروه‌های دیگری را به دست آورد. در این شرایط جناح تمامیت‌خواه، خود را پیروز میدان دانسته و برای دولت آینده برنامه ریزی می‌کرد. ولی حضور هاشمی رفسنجانی خواب آنها را آشفته کرد و

خاص به نفع جناح و گروه به خصوصی داشت فراگیر بودن تبلیغات منفی و یا به قولی سیاه‌نمایی بود به گونه‌ای که علاوه بر مصطفی معین که در جبهه مخالف اصولگرایان و یا تمامیت خواهان قرار داشت هاشمی رفسنجانی نیز که با حضورش در انتخابات رویاهای این جناح را برای یکدست کردن حاکمیت و به چنگ آوردن قوه مجریه و دولت متزلزل کرده بود آماج حملات پنهان و آشکار آنها قرار گرفت به طوری که چندین بار اعتراض او را به روش‌های تبلیغاتی و انتخاباتی صدا و سیما و گروه‌های رقیب شاهد بودیم.

پیروزی‌ها و موفقیت جناح راست در انتخابات شوراها و مجلس هفتم در دومی با مساعدت و حمایت شورای نگهبان به دست آمد این جناح را امیدوار کرد که می‌تواند پس از خاتمی، نبض قوه مجریه را نیز در دست گرفته و حاکمیت را به طور کامل از آن خود کند. واژه‌هایی که آیت‌الله مشکینی در باره نمایندگان مجلس هفتم به کار برد و حمایت‌های تبلیغاتی رسانه ملی و روزنامه‌های کیهان، رسالت و سیاست روز که متأسفانه برخی از آنها از بیت‌المال ارتزاق می‌کنند و در حالی که هنوز جناح اصلاح طلب نتوانسته بود از ضربه‌ای که توسط شورای نگهبان خورده بود به خود بیاید بر این واقعیت صحنه گذارد که اراده‌ای فراگیر درصدد است انتخاب نهم را نیز به نفع اصولگرایان رقم بزند. ولی ۲ مساله خواب آنها را آشفته کرد. به همین دلیل آنها با تمام قوا به میدان آمدند تا این موانع را از سر راه برداشته و یا





پرداختند که در سال های گذشته خصوصا در دوره هاشمی رفسنجانی و خاتمی تحقق یافته و به اجرا درآمده است؟ اگر چه روشی که شورای نگهبان و برخی از نمایندگان وابسته به جناح راست پیش گرفتند با توجه به دیدگاه ها و آنچه قبلا اعلام کرده بودند قابل پیش بینی بود و بیش از آن نیز از آنها انتظار نمی رفت زیرا هدف آنها روی کار آوردن رئیس جمهوری همراه و هم جهت با مجلس و شورای نگهبان بود اما متاسفانه روش هایی به کار گرفته شد که به نظر نمی رسد حتی در غیر منطقی ترین نظام ها و سیستم ها نیز جایی داشته باشد.

چهره های کاندیدها

اگر چه بیش از هزار نفر برای حضور در انتخابات نهم اعلام آمادگی و ثبت نام کرده بودند ولی ابتدا ۶ نفر و پس از توصیه رهبر، ۸ نفر به مرحله بعدی راه یافتند که از میان آنها نیز هاشمی رفسنجانی و احمدی نژاد برای نخستین بار در طول حیات جمهوری اسلامی، دومین دور انتخابات را برگزار کردند.

۸ کاندیدایی که در اولین دوره حضور داشتند جملگی از چهره های شاخص و مطرح ایران بوده و هر یک سابقه فعالیت در زمینه های مختلف داشتند. آنها از نظر وابستگی جناحی در ۳ جناح قرار می گرفتند. به طوری که اگر معین، کروی و مهرعلیزاده را در جناح اصلاح طلب قرار دهیم، لاریجانی، رضایی، قالیباف و احمدی نژاد در جناح راست یا به قول خودشان اصول گرا قرار می گرفتند

و هاشمی رفسنجانی نیز جناح سوم را تشکیل می داد که متفاوت با دو جناح قبلی بود.

در این میان افراد دیگری هم بودند که یا نتوانستند از فیلتر شورای نگهبان عبور کنند نظیر دکتر ابراهیم یزدی، ابراهیم اصغرزاده و زواره ای و یا این که انصراف داده و کناره گرفتند که در این رابطه می توان به دکتر ولایتی و احمد توکلی اشاره کرد. کاندیدها در زمانی که تربیون های صدا و سیما به صورت گزینشی و محدود در اختیار آنها قرار گرفت که همین مساله اعتراض تعدادی از آنها را در پی داشت. در مرحله اول جمعا در ۴۸۰ برنامه انتخاباتی به مدت ۳۲۰ ساعت حضور یافتند که گفته می شود برای هر نامزد ۱۷ ساعت و با در نظر گرفتن زمان تکرار برنامه ها حدود ۴۰ ساعت برنامه تبلیغاتی و حدود ۶۰ مورد برنامه رادیویی و

هاشمی رفسنجانی آماج حملات بسیاری قرار گرفت



تلویزیونی پخش شد. اما جلوگیری از حضور الهه کولایی و بهزاد نبوی در برنامه های تبلیغاتی دکتر معین و یا سانسور بخش هایی از فیلم انتخاباتی او این واقیعت را آشکار ساخت که رسانه ای که خود را ملی می نامد چندان هم صادقانه عمل نکرده است.

البته اعتراض ها محدود به دکتر معین نمی شد بلکه هاشمی رفسنجانی نیز به این مساله معترض بود.

۸ چهره ای که در دوره اول به رقابت برخاستند جملگی از چهره های شناخته شده بودند که سال ها مسوولیت هایی را در بخش های مختلف کشور بر عهده داشتند ولی در این میان آنچه جالب توجه بوده و از نگاه مردم نیز پنهان نماند برخوردهای برخی از کاندیدها از جمله قالیباف بود که گویا در طول ۱۶ سال گذشته در این کشور زندگی نکرده و یا مسوولیتی را عهده دار نبوده است به گونه ای که

تمامی کمبودها و تقصیرها را بر عهده دولت های هاشمی رفسنجانی و خاتمی انداخته و چنین وانمود می کردند که رئیس جمهوری و دولت همه کاره بوده و دیگران هیچ نقشی در پیدایش وضعیت کنونی نداشته اند.

کاندیدها در طول برنامه های تبلیغاتی خود و یا در مصاحبه ها و بیانیه هایی که منتشر کردند از ۳ روش پیروی می کردند که این مساله در رابطه با هاشمی رفسنجانی معتدل تر و از جانب قالیباف، احمدی نژاد و لاریجانی به شدت رعایت می شد. روش های آنها به این شرح بود:

۱- کاندیدها یا از طریق برنامه میثاق با مردم، برنامه هایی که در نظر داشتند پس از پیروزی در جامعه پیاده کنند تبلیغ می کردند و یا طرح های خود را در گفت و گوها تشریح می کردند که این اقدام، حرکتی مثبت بود.

۲- با توجه به بافت سیاسی جامعه، متاسفانه تعدادی از آنها برای جلب افکار عمومی شعارهایی می دادند که در ایران تحقق آنها امکان پذیر نبود. همچنین بعضی از وعده ها و مسایلی که به عنوان برنامه اعلام می شد با دیدگاه های شخص مزبور مغایرت داشته و به نظر می رسد هدف از بیان این شعارها صرفا جلب افکار عمومی مردم بوده است که در این رابطه می توان به شعار استفاده از زنان در کابینه و یا حذف کنکور توسط لاریجانی و برقراری رابطه با آمریکا اشاره کرد.

۳- آنچه در این انتخابات بیش از همه چشمگیر بود و نیاز به پیگیری پس از فروکش کردن هیجانات دارد، تخریب یکدیگر و ناکارآمدی





خود بر ضد آن عمل کرده بودند که در این رابطه می‌توان دلایل بسیاری در باره تضاد شعار و عمل ۸ کاندیدا آرایه کرد. ولی آنچه در این میان مشهود بود تاکید جملگی بر اصلاحات و اصلاح طلبی بود. اما هر یک از آنها تعریف خاصی از اصلاحات داشتند. در همین حال دیدگاه‌های مختلفی هم در باره دموکراسی وجود داشت. به گونه‌ای که معین و کروبی و یا مهرعلیزاده دموکراسی را تایید می‌کردند در همین حال احمدی نژاد می‌گفت: هیچ جا گفته نشده که ما انقلاب کردیم دموکراسی حاکم شود.

فرازهایی از میثاق‌نامه‌ها و برنامه‌ها نیز به این شرح بود:

هاشمی رفسنجانی

میثاق نامه هاشمی برنامه‌ای برای گذار به توسعه دموکراتیک و پایدار بود که موارد زیر را شامل می‌شد. برنامه او دارای ۱۴ سرفصل بود که ۶ موضوع توسعه انسانی، عدالت اجتماعی، امنیت ملی و فردی و اجتماعی، تداوم سازندگی کشور، کوچک کردن اندازه دولت در عین افزایش کارآمدی آن و در نهایت کسب جایگاه شایسته در جهان اولویت بیشتری داشت.

مهدی کروبی

میثاق نامه او دارای ۱۲ بند بود که از جمله آنها باید به حقوق اساسی ملت، توانمندسازی بخش اقتصادی، اجرای نظام ملی سلامت، آموزش، معاضدت حقوقی، گردشگری، تامین حقوق زنان، توجه ویژه به جوانان، سیاست خارجی و مقابله با ناکارآمدی و فساد اداری اشاره کرد.

مصطفی معین

اهداف او که با عنوان اصلاحات گامی به پیش آرایه شد شامل دموکراتیک کردن ساختار قدرت، تامین حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی همه ایرانیان بر اساس تفسیر حقوق بشری از قانون اساسی و اعلامیه‌های حقوق بشر، حمایت همه جانبه از آزادی، تاسیس نهادی مدنی و رفع موانع فعالیت آنها و اصلاح ساختار اقتصادی و بوروکراتیک می‌شد.

مهتدیس مهرعلیزاده

او معتقد بود که تاکید بر رشد اقتصادی صرف با عمده نمودن توسعه سیاسی به صورت یک بعدی و بدون توجه جدید به دیگر عرصه‌های نظام سبب می‌شود فرآیند تعمیق توسعه به کندی پیش رود و

فاسد جلوه دادن سیستم بود. اگر چه در این ارتباط سعی شده بود اتهاماتی نظیر فساد، رشوه، بی‌توجهی و امثالهم متوجه دولت‌های هاشمی و خاتمی شود اما از کسانی که خودشان در پیدایش چنین وضعیتی سهیم بودند بعید به نظر می‌رسید که چنین بی‌محابا به نظام تاخته و به جوسازی بپردازند.

البته این یک واقعیت انکارناپذیر است که کوهی از مشکلات داریم که قابل کتمان و تکذیب نیستند و کسی که رییس جمهوری می‌شود باید ضمن پذیرفتن این مشکلات، برنامه‌ای عملی برای رفع آنها و یا کاستن از میزان مشکلات آرایه دهد. لذا با شعار دادن و یا مقصر جلوه دادن دیگران نمی‌توان راه به جایی برده و کشور را از چنبره مشکلات رهانید.

مشکلات ایران صرفا داخلی نیستند بلکه اگر واقع بینانه به بررسی و تجزیه و تحلیل آنها بپردازیم به این واقعیت پی خواهیم برد که مشکلات خارجی و منطقه‌ای به مراتب وسیع‌تر و خطرناک‌تر از داخلی‌ها هستند. در این میان برخی از کاندیداها متأسفانه سعی کردند با متهم کردن قبلی‌ها در حقیقت توپ را به زمین رقیب شوت کنند در حالی که تمامی آنهايي که کاندیدا شدند سهمی در پیدایش این وضعیت نابسامان داشته‌اند. از آن جا که مشکلات و مسایل داخلی و خارجی فراگیر و عمیق هستند لذا نمی‌توان یک دستگاه یا شخص را مقصر دانسته و یا متهم به کم‌کاری کرد.

آنچه در میزگردها و برنامه‌های تبلیغاتی کاندیداها عنوان می‌شد تا حدودی با شعارها تفاوت داشت و اصولا شعارها نیز با شخصیت و دیدگاه‌ها و عملکرد کاندیداها سخنیت نداشت، به طور مثال لاریجانی که به مدت ۱۰ سال در صدا و سیما مردم را به ناامیدی و ضدیت با اصلاحات و دولت فرا خوانده و یا کروبی که در مجلس اصلاحات همواره منادی محافظه کاری بوده چگونه می‌توانستند به آنچه عنوان می‌کردند اعتقاد داشته باشند؟

اصولا یکی از دلایل گرایش مردم به کاندیداها، عملکرد قبلی آنها و انطباق شعارها با عملکرد و شخصیت آنها بود، لذا از آن جا که ۸ کاندیدا دارای مسوولیت‌های مختلف در کشور بودند در حقیقت چهره‌های شناخته شده‌ای به شمار رفته و نمی‌توانستند مسایلی را مطرح کنند که

فرصت‌های موجود از دسترس خارج شود که پیامد عمده آن کاهش اعتماد مردم به توانایی نظام مدیریتی کشور برای حل مسایل است.

قالبیاف

پیمان و یا میثاق‌نامه قالبیاف تا حدودی با دیگران متفاوت بود. این پیمان ۱۰ ماده‌ای به این شرح بود.

۱- تبدیل ایران به الگوی بی‌بدیل در منطقه و کشورهای اسلامی

۲- افزایش رفاه مردم و تولید ثروت ملی، رفع موانع تولید و تلاش برای تامین امنیت سرمایه‌گذاری خصوصی و ایجاد اشتغال مولد در کشور

۳- اصل شایسته سالاری را به دقت رعایت کرده و با سلطه روابط حزبی و بانندی و تبارگرایی در اداره کشور مقابله می‌کنم.

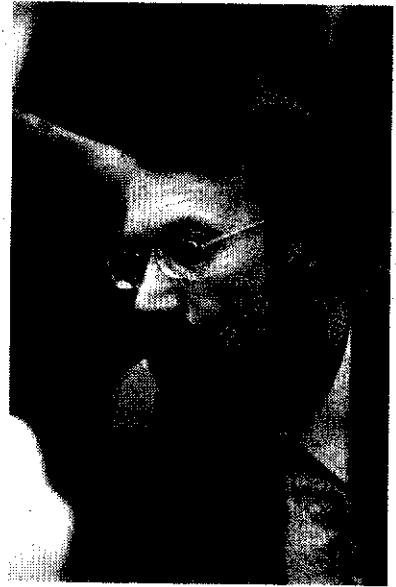
۴- با مظاهر فساد و تبعیض، اشرافیت دولتی و عواضل به وجودآورنده آن مبارزه‌ای نظام‌مند و بی‌اغماض خواهیم داشت.

۵- از رفاه طلبی و تجمل‌گرایی بپرهیزم و اطرافیان و نزدیکان خود را مراقبت کنم.

احمدی نژاد

احمدی نژاد که سعی داشت از خود چهره‌ای مردمی آرایه کرده و به این مسأله تاکید داشت که می‌خواهد رجایی دیگری باشد بر این موارد تاکید داشت.

۱- در حاکمیت اسلام، مردم سالاری دینی یک اصل اصیل محسوب می‌شود.



۲- مگر می‌شود بدون نظارت و حضور موثر مردم با فساد مبارزه کرد. نباید تصور کنیم که با چهار تا شرکت دولتی آن هم با این بازدهی و با این شکل مدیریتی می‌توان مشکلات را بر طرف کرد.

۳- هم اکنون در پرتو شعار خصوصی سازی و مشارکت دادن مردم، حجم دولت روزه‌روز افزایش می‌یابد. در حالی که شعار مشارکت دادن مردم را سر می‌دهند حتی حاضر نیستند اجازه دهند مردم خود ۲۰ سوله بسازند و نمایشگاه تجاری برگزار کنند.

۴- خصوصی سازی نیز مفهومی جز فروش اموال دولتی پیدا نکرد و عرصه‌های مختلف برای تحرک مردم نه تنها باز نشد بلکه هر روز بیش از گذشته فضا را به روی مردم تنگ‌تر کردند.

محسن رضایی

اگر چه او در میانه راه کناره گرفت اما مسایلی را مطرح کرد که سوال برانگیز بود. برخی از آنها به این شرح بودند.

۱- نیاز به یک دولت مردمی و کارآمد داریم تا با تداوم انقلاب در شکل تحولات ۳ گانه مدیریتی، اقتصادی و فرهنگی و اصلاحات در سیاست داخلی و خارجی بتواند ضمن افزایش رضایت ملی و استقرار و ثبات پایدار، گام بلندی در توسعه و هدایت ایران به سوی یک ایران مقتدر منطقه‌ای بر دارد.

۲- پاسخگویی در دولت‌های در حال توسعه نهادینه نشده است.

۳- اصلاحات اجتماعی و سیاسی

۴- انتخابات با اطلاعات و خبرگی کامل صورت نگرفته و عوامفریبی و تطمیع مراجع سیاسی به آزادی و مردم‌سالاری آسیب وارد نموده است.

لاریجانی

۱- دولت مدرنی را شکل خواهم داد که در آن تحول‌خواهی و عمل‌گرایی سرلوحه سخن‌ها باشد و مدیریتی با جهت‌گیری مثبت برای شدن و نه ماندن را سامان خواهم داد.

۲- دولت امید یا الهام از فرمان علوی و با وفاداری جان نثارانه به مقتدای خویش خمینی بزرگ و به عزم گسترش میراث آن جاودانه مرد و با التزام به نظام مبتنی بر امامت الهی که در قامت رعنا و ولایت فقیه جلوه‌گری می‌کند پیمان می‌بندم که تمامی همت، توان، سرمایه و استعداد خود را وقف سرفرازی ملت مسلمان ایران کند.

سپاه‌نمایی

آنچه در انتخابات نهم بیش از همه چشمگیر بود سپاه‌نمایی، تخریب چهره‌ها و اعتراض به دخالت‌های کانون‌های قدرت بود.

به جرات می‌توان گفت تبلیغات برخی از کاندیداها عوامفریبانه بوده و آنها سعی داشتند با توجه به برخی نیازهای جامعه مسایلی را مطرح کنند که از این طریق رضایت و آرای مردم را به خود جلب کنند که در این رابطه می‌توان به وعده

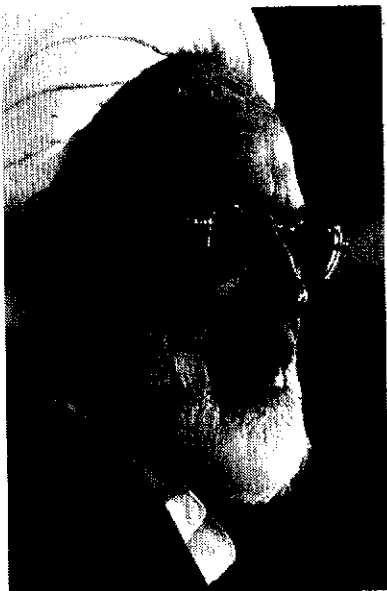
۵۰ هزار تومانی کربوبی و یا برقراری رابطه با آمریکا توسط چند تن از کاندیداها اشاره کرد. در همین حال تعدادی از کاندیداها از دخالت نظامیان و بسیجی‌ها انتقاد کرده بودند که در این ارتباط الهام سخنگوی شورای نگهبان صراحتاً اعلام کرده بود که بسیجی‌ها نظامی نیستند. لذا باید از وی و همفکرانش پرسید کسی که اسلحه در دست گرفته و با ایجاد پست‌های ایست و بازرسی به کنترل جامعه و مردم می‌پردازد یک شخص عادی است؟ و اصولاً آیا یک شخص عادی قادر است اسلحه در دست گرفته و به امر و نهی کردن به مردم بپردازد؟

در این ارتباط وزارت کشور بارها به اعتراض و انتقاد پرداخت که متأسفانه پاسخ درستی نشنید تا این که در فاصله دو دور انتخابات به یک باره سخنگوی قوه قضاییه خبر از شکل ۴۴ پرونده تخلفات انتخاباتی نظامیان داد که به گفته وی عمدتاً شامل افراد روحانی عقیدتی - سیاسی می‌شد که با لباس میل در ستادهای تبلیغاتی حضور داشته‌اند. در همین ارتباط رحیم صفوی فرمانده کل سپاه نیز از سپاه و بسیج می‌خواهد برای کاندیداها تبلیغ نکنند و یا جبهه مشارکت در بیانیه‌ای اعلام می‌دارد که در مرحله دوم انتخابات در برابر جبهه سیاسی - نظامی وارد عرصه می‌شود.

این مساله در بیانیه‌ها و سخنان اعتراض‌آمیز هاشمی رفسنجانی، کربوبی و معین نیز به وضوح مورد تاکید قرار گرفته بود. معین در بیانیه خود آورده بود که در روزهای پایانی انتخابات به ناگاه اراده‌ای قاهر برای پیروزی یک کاندیدای خاص و حذف کاندیداها دیگر به میدان آمد و باب سازماندهی برخی نهادهای نظامی و حمایت دستگاه نظارتی انتخابات را گشود تا حق مسلم نامزدهای دیگر را در انتخابات مورد هدف قرار دهد. وی می‌افزاید: من اعلام می‌کنم آنچه به وقوع پیوست اقدامی غیر قانونی برای محروم کردن یک کاندیدا از حق خود و بر کشیدن کاندیدایی دیگر بود.

ولی اعتراض کربوبی بسیار تندتر بود او ضمن اعتراض به دخالت بسیج در انتخابات اعلام کرد این نمی‌شود که بسیج پول بیت‌المال را بگیرد و به نفع افراد وارد انتخابات شود؟ او گفت: ما مدارکی داریم که مشخص می‌کند چه کارهایی انجام شده

موفقیت
احمدی‌نژاد
می‌تواند سر آغاز
فصل جدیدی در
ایران باشد



صورتی هماهنگ و فراگیر با تخریب و فحاشی و حملات سازمان یافته مواجه شدند. جالب توجه است که مجلس نیز از این غافله کنار نمانده و بعضی از نمایندگان جناح اکثریت به جوسازی علیه آنها پرداختند.

جالب توجه است که این افراد و یا جناح‌ها شناختی از بافت قدرت در ایران نداشته و تصور می‌کنند که رییس جمهوری و دولت نبض کنترل اوضاع را در دست دارند و همه کاره هستند و یا این که همه راه‌ها به آنها ختم می‌شود در حالی که شرایط به گونه دیگری است و در حقیقت رییس جمهوری و هیات دولت به مراتب ضعیف‌تر و ناتوان‌تر از شورای نگهبان، قوه قضاییه و مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند.

سخنان سخنگوی وزارت کشور معنی بر این که افراد و سازمان‌های مشخصی در سازماندهی آرا در روز قبل از انتخابات نقش داشته‌اند و یا اعتراف باهنر به این مساله که در ۱۵،۱۰ روز آخر نیروهایی که احساس می‌کردیم می‌توانند با ما هماهنگ باشند در حمایت از لاریجانی تشخیص‌شان عوض شد ما هم اجازه دادیم بروند از احمدی‌نژاد حمایت کنند، جملگی بیانگر حرکت فراگیر به نفع یک جریان بود. از جمله این اقدامات باید به تبری جستن آیت‌الله خزعلی در حمایت پسرش از هاشمی رفسنجانی اشاره کرد. او در سخنانی گفت: به اسم اصلاح‌گرا خیلی فساد کردند اما به حمدالله ملت بیدار شد که یک مرد بسیجی توانمند تهران را تکان داد. مجلس هفتم زاینده این کار شهردار محترم است.

در این شرایط که به گفته باهنر حمایت‌ها به سوی احمدی‌نژاد چرخش داشت کاتوزیان نماینده مجلس و ترقی عضو شورای مرکزی مؤتلفه که وابسته به جناح راست بودند از احتمال کناره‌گیری احمدی‌نژاد به نفع لاریجانی سخن می‌گفتند ولی در روزهای آخر ورق برگشت و کاندیدای شورای هماهنگی عملاً کنار گذارده شد. ولی جالب است که سخنگوی لاریجانی نیز نسبت به مداخله رده‌های فرماندهی سپاه در انتخابات هشدار می‌دهد در حالی که سردار جزیری سخنگوی سپاه می‌گوید: سپاه و بسیج به وظیفه قانونی خود حسب قانون اساسی و قوانین موضوعه کاملاً آشنایی دارند و به خصوص در امر کمک به برگزاری هر چه سریع‌تر انتخابات، نیروهای

که آبروی نظام ما در خارج برود و نتیجه انتخابات یک دفعه بالا و پایین شود. هم چنین باید به بیانیه اعتراض آمیز هاشمی اشاره کرد که مکمل سخنان کربوبی و اعتراضات معین بود. او با تاکید بر این مساله که از شماری می‌جویم تا از گسترش افراط و تفریط جلوگیری کنیم، اعلام کرد حضور شکوهمند ملت این بار از ناحیه کج سلیقه‌ها و بددلی‌های برنامه‌ریزی شده به رنج افتاد و طی رقابت‌های انتخاباتی از طریق تخریب نامزدها و زیر سوال بردن غیر منصفانه عملکردهای انقلاب اسلامی و مدیران کشور آغاز شد و در متن برگزاری انتخابات به برخی دخالت‌های سازمان یافته در هدایت ارا انجامید و معلوم نیست این رویه ناصواب اگر نهادینه شود رو به کجا خواهد برد؟ وی می‌افزاید: متأسفانه همان تفکری که در دوران مبارزه در مقابل امام (ره) و همراهان ایستادگی می‌کرد و امام را مسوول خون‌های ریخته شده در راه انقلاب معرفی می‌نمود امروز پوستین اسلام را وارونه پوشیده و ریاکارانه به فریبکاری مشغول است و اصرار دارد که افکار معیوب خود را بجای معارف اصیل اسلام به دیگران تحمیل کند.

برخی انتقادات و سیاه‌نمایی‌ها و مسایلی که از جانب بعضی کاندیداها مطرح شدند بیشتر به مانیفست مخالفین نظام شباهت داشت و اگر از سوی اپوزیسیون و افراد و جناح‌های خارج از نظام عنوان می‌شد هزاران انگ و اتهام را متوجه آنها می‌کرد. سیاه‌نمایی همراه با تخریب از ویژگی‌های انتخابات نهم بود که در کنار اقدامات ایذایی گروه فشار لطمه‌ای اساسی به این انتخابات وارد آورد. در کنار دولت خاتمی که آماج حملات کاندیداها و حامیان‌شان قرار گرفت هاشمی و معین نیز به



بسیجی از هیچ گونه مساعدتی فروگذار نخواهند کرد.

شدت سیاه‌نمایی‌ها به حدی بود که حتی دکتر آصفی سخنگوی وزارت خارجه که در جریان موضع‌گیری‌ها و مسایل خارج از کشور قرار دارد نسبت به این مساله اعتراض کرده و اعلام می‌دارد سیاه‌نمایی هم حدی دارد. البته مردم عاقلند و قضاوت می‌کنند.

وی می‌افزاید: انشالله که بعضی اظهارات از سر ناآگاهی و نه غرض‌ورزی است و من به عنوان کارشناسی در وزارت امور خارجه با اطمینان می‌گویم که ما در سیاست خارجی بسیار موفق بوده‌ایم.

البته خاتمی نیز به انتقاد از این وضعیت پرداخته و خاطر نشان می‌سازد که اگر بنای حفظ آرامش و حضور پرشکوه مردم در پای صندوق‌های رای نبود به بسیاری از این جفاها و ناروایی‌ها که بزرگ‌ترین آن توهین به ملت است پاسخ می‌دادم و یا سخنگوی دولت بیان می‌کند که سکوت کردیم تا فضای رقابت به هم تریزد.

به هر حال انتخاب نهم هم به پایان رسید و شهردار تهران توانست با کسب اکثریت آرا به پیروزی برسد. به این ترتیب شرایط دیگری به وجود آمد، لذا باید دوران هاشمی و خاتمی را به فراموشی سپرد. تنها امیدواری که وجود دارد این است که این تغییر و تحول به نفع مردم و کشور بوده و بتواند ایران را از این مشکلات به رفاه و رستگاری برساند.